

دیدگاه های فقهی بن باز

دیدگاه های فقهی بن باز

از مفتیان بزرگ وهابی عصر حاضر می توان به شیخ عبدالعزیز بن باز اشاره کرد. وی در شهر ریاض در سال 1330 ه.ق متولد شد و در اوایل تحصیل به خاطر مرضی نابینا شد. او در مسایل اعتقادی، حدیثی، فقهی، سیاسی و اجتماعی دارای نظریاتی است قابل تأمل. جا دارد شرح حال و برخی نظریات فقهی وی در این مقاله مرور و مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته خواهد شد.

1. تحریم تزریق خون به افراد

گروه دائمی افتای وهابیان به ریاست بن باز می گویند:

الدم نجس لایجوز استعماله و لا تناوله لعلاج ولا لغيره؛ سواء استعمل عن طریق الفم أو عن طریق الشرايين أو غير ذلك؛ لعموم الأحاديث الواردة بالمنع من التداوی بالنجس والمحرم منه... [1]

خون نجس است و نمی توان از آن بهره جست یا برای علاج از مرضی یا غیر آن به کار گرفت؛ چه آنکه از راه دهان استعمال گردد یا از راه رگ ها یا غیر از آن دو؛ به جهت عموم احادیثی که وارد شده و از مداوای با نجس و محرم از آن منع کرده است...

2. حکم به نجاست ذبیحه مسلمین

او درباره ذبیحه و قربانی کسی که مدعی اسلام است، ولی به غیر خدا در امور غیبی استغاثه می کند و از ارواح انبیا کمک می گیرد و معتقد به ولایت آنها است می گوید:

... فذبیحة كذیبة المشركين و الوثنيين عباد اللات و العزی و مناة و ودّ و سواء و یغوث و یعوق و نسرأ؛ لایحلّ للمسلم الحقیقی اكلها؛ لأنها میتة، بل حاله اشدّ من حال هؤلاء؛ لأنه مرتد عن الاسلام الذی یزعمه من أجل لجئه إلى غیر الله فیما لایقدر علیه إلاّ الله؛ من توفیق ضال و شفای مریض و امثال ذلك... [2]

... پس ذبیحه آنان همانند ذبیحه مشرکان و بت پرستان که «لات» و «عزی» و «منات» و «ود» و «سواء» و «یغوث» و «یعوق» و «نسر» را می پرستند می باشد، و لذا برای مسلمان حقیقی خوردن آن حلال نمی باشد؛ چرا که در حکم مردار است، بلکه وضعیت او از وضعیت آنان بدتر می باشد؛ چرا که چنین کسی از اسلامی که گمان می کرده مرتد شده است به جهت پناه بردن او به غیر خدا در آنچه که جز خدا بر آن قدرت ندارد؛ مثل درخواست توفیق دادن به گمراه و شفای مریض و امثال آن...

3. حکم اقتدا به کسی که از ذبیحه مسلمین می خورد

او درباره اقتدا به کسی که از ذبیحه مسلمانی خورده که معتقد به جواز استغاثه به ارواح اولیاست می گوید:

إذا كان امام مسجد يأكل من هذه الذبائح بعد البیان و اقامة الحجة علیه، مستبجاً لأكلها لم تصح الصلاة خلفه؛ لاعتقاده حلّ ما حرم الله من المیتة، و ان كان يأكل منها بعد البیان له و اقامة الحجة علیه، معتقداً حرمتها فهو فاسق، و فی حکم الصلاة خلف المسلم الفاسق تفصیل [3].
اگر امام مسجدی از این ذبیحه ها بعد از بیان و اقامه حجت بر او می خورد در حالی که خوردن

آن را مباح می داند نماز خواندن پشت سر او صحیح نمی باشد؛ چرا که او معتقد به حلیت چیزی است که خدا حرام کرده، همانند مردار. ولی اگر از ذبیحه بعد از بیان و اقامه حجت بر او بخورد در حالی که معتقد به حرمت آن است او فاسق می باشد، و در حکم نماز پشت سر مسلمان فاسق تفصیل است.

4. حکم پوشیدن کفش پاشنه بلند برای زن

او در این باره می گوید:

لبس الكعب العالی لا يجوز؛ لأنه يعرض المرأة للسقوط، و الانسان مأمور شرعاً بتجنب الأخطار، بمثل عموم قول الله:

«و لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»، و قوله: «و لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»، كما أنه يظهر قامة المرأة و عجيزتها بأكثر مما هي عليه، و في هذا تدليس و ابداء لبعض الزينة التي نهيت عن ابدائها المرأة المؤمنة بقول الله سبحانه و تعالى: «و لا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ» [4].

پوشیدن کفش پاشنه بلند جایز نیست؛ زیرا زن را در معرض سقوط قرار می دهد و انسان شرعاً مأمور به اجتناب از خطرهایست؛ به مثل عموم قول خداوند (با دستانتان خود را به هلاکت نیندازید) و قول خداوند: (خودکشی نکنید)، همان گونه که قامت زن و پشت او بیش از آنکه هست پیدا می شود و این گول زدن مرد و ظاهر نمودن برخی از زینت اوست که زن مؤمن از ظاهر نمودن آن نهی شده است به قول خداوند سبحانه و متعالی: (و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند، و [اطراف] روسری های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود]، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، پدرانشان، یا پدرشوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کشیشان).

5. حکم استعمال لاک برای زن

او در این باره می گوید:

أما المناكير فلا تجوز؛ لما فيها من منع وصول الماء في الوضوء و الغسل إلى الأظافر... [5].
اما کارهای منکر جایز نیست؛ چرا که باعث می شود هنگام وضو گرفتن و غسل کردن آب به ناخن ها نرسد...

6. حرمت چیدن مو از اطراف ابرو

بن باز می گوید:

ازالة الحاجبين بطلب من الزوج لايحوز؛ لأن الرسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لعن النامصة و المتنمصة، و النمص هو اخذ شعر الحاجبين [6].

زایل کردن موی دو ابرو به درخواست همسر جایز نیست؛ زیرا پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نامصه و متنمسه را لعن کرده و «نمص» به معنای چیدن موی دو ابروست.

7. حرمت بلند گذاشتن ناخن بیش از چهل روز

بن باز می گوید:

... و لايحوز ان تترك اكثر من اربعين ليلة، لما ثبت عن انس قال: وَقَّتْ لَنَا رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي قَصِّ الشَّارِبِ وَقَلَمِ الطُّفْرِ وَتَتْفِ الْإِيطِ وَحَلْقِ الْعَانَةِ أَنْ لَا نَتْرَكَ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَلَأَنَّ تَطْوِيلَهَا فِيهِ تَشْبَهُ بِالْبِهَائِمِ وَبَعْضِ الْكُفْرَةِ [7].

... جایز نیست که انسان بیش از چهل روز ناخن خود را بلند گذارد؛ چرا که از انس ثابت شده که

گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلّم) برای ما در چیدن سبیل و کوتاه کردن ناخن و کندن موی زیر بغل و تراشیدن موی زیر ناف بیش از چهل روز وقت نداده که آن را رها کنیم؛ زیرا در بلند کردن ناخن تشبه به حیوانات و برخی از کافران است.

8. حجاب شرعی

بن باز می گوید:

الحجاب الشرعی هو ان تحجب المرأة کل بدنها عن الرجال: الرأس و الوجه و الصدر و الرجل و اليد؛ لأنها کلها عورة

بالنسبة للرجل غیر المحرم لقول الله جلّ و علا "وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسئَلُوهُنَّ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ..." و قال تعالى: "وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ..." و الوجه من اعظم الزينة، و الشعر كذلك، و اليد كذلك. و يمكن ان تحجب المرأة وجهها بالنقاب و هو الذي تبدو منه العينان أو احدهما و يكون الوجه مستوراً...[8].

حجاب شرعی به این است که زن تمام بدن خود را از مردان بپوشاند که عبارت باشد از سر و صورت و سینه و پا و دست؛ زیرا تمام این اعضا نسبت به مرد نامحرم عورت به حساب می آید، به جهت آنچه که خداوند جلّ و علا فرمود: (و چون از آنان درخواست چیزی کردید از پشت حجاب بخواهید...) و نیز فرمود: (و زینت هایشان را آشکار نکنند مگر برای شوهران یا پدرانشان...) و صورت از مهم ترین زینت هاست، همچنین مو و دست. و ممکن است که زن صورتش را با نقاب بپوشاند و آن وسیله ای است که دو چشم یا یکی از آن دو را آشکار می کند و صورت پوشیده می باشد.

9. کفر اکبر بودن ترک نماز

بن باز می گوید:

لايجوز للمسلم ان يصاحب مثل هذا الشخص الذي يترك الصلاة في بعض الأوقات، بل يجب عليه ان ينصحه و ينكر عليه عمله السيئ، فان تاب و إلا هجره، و لم يتخذها صاحباً، و ابغضه في الله حتى يتوب من عمله المنكر؛ لانّ ترك الصلاة كفر اكبر؛ لقول النبي (صلی الله علیه وآله وسلّم) "العهد الذي بيننا وبينهم الصلاة؛ فمن تركها فقد كفر"[9].

بر مسلمان جایز نیست با چنین شخصی که نماز را در برخی از اوقات ترک می کند مصاحبت نماید، بلکه بر او واجب است او را نصیحت کند و بر کار زشتش سرزنش نماید، و اگر توبه کرد که هیچ و گرنه او را ترک کند و او را رفیق خود انتخاب نکند بلکه او را به خاطر خدا دشمن بدارد تا از عمل بدش توبه کند؛ زیرا ترک نماز کفر اکبر است، به جهت قول پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلّم): (عهد بین ما و بین مردم نماز است پس هرکس آن را ترک کند به طور حتم کافر می باشد).

10. حکم غذا خوردن با بی نماز

بن باز درباره خوردن غذا با شخص بی نماز می گوید:

لا حرج في ذلك إذا دعت الحاجة اليه؛ لانّ النبي (صلی الله علیه وآله وسلّم) اكل مع اليهود و من مائدة اليهود، لكن مع بغضهم في الله و عداوتهم و عدم محبتهم و عدم موالاتهم[10].

در آن باکی نیست در صورتی که به آن احتیاج دارد؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلّم) با یهود هم غذا می شد و از سفره آنان می خورد، ولی با دشمن داشتن آنها در راه خدا و عداوت آنان و دوست نداشتن و عدم موالات با آنان.

11. وجوب نماز خواندن در مسجد

بن باز می گوید:

يجب على المؤمن أن يصلّى في المسجد، و لايجوز له التساهل و الصلاة في البيت مع قرب المسجد[11].

بر مؤمن واجب است که نمازش را در مسجد بخواند و جایز نیست بر او سهل انگاری کردن و خواندن نماز در خانه اش با نزدیکی به مسجد.

12. کفر تارک نماز گرچه منکر آن نباشد

بن باز درباره تارک نماز گرچه منکر آن نباشد به خانمی که شوهرش نماز نمی خواند می گوید:
إذا كان لا يصلّي فهو يستحقّ الهجر و لا تسلمى عليه، و لا تردى عليه السلام، حتى يتوب؛ لأنّ ترك الصلاة كفر اكبر و ان لم يجحد و جوبها في اصحّ قول العلماء...[12].

اگر او نماز نمی خواند مستحقّ قهر کردن است و نباید به او سلام کنی و جواب سلامش را بدهی تا توبه کند؛ زیرا ترک نماز کفر اکبر است گرچه وجوب آن را انکار نمی کند در اصحّ قول علما...

همچنین می گوید:

الذى يترك الصلاة متعمداً كافر كفوفاً اكبر في اصحّ قولى العلماء إذا كان مقرراً بوجوبها، فان كان جاحداً لوجوبها فهو كافر عند جميع اهل العلم...[13].

کسی که نماز را عمدتاً ترک می کند در صورتی که به وجوب آن اقرار دارد، بنا بر صحیح ترین دو قول نزد علما کافر و بزرگ ترین کفر را داراست، و اگر منکر وجوب آن باشد، نزد تمام اهل علم کافر است...

13. حکم مرده تارک نماز

بن باز می گوید:

من مات من المكلفين و هو لا يصلّي فهو كافر، لا يغسل و لا يدفن في مقابر المسلمين، و لا يرثه اقاربه، بل ماله لبيت مال المسلمين في اصحّ اقوال العلماء... و هذا فيمن تركه كسلاً و لم يجحد و جوبها، و اما من جحد و جوبها فهو كافر مرتد عن الاسلام عند جميع اهل العلم...[14].

کسی از مکلفین اگر بمیرد در حالی که نماز نمی خوانده کافر است و نباید او را غسل داد و بر نماز خواند، و نیز در قبرستان های مسلمانان دفن نمی شود و نزدیکانش از او ارث نمی برند، بلکه مالش برای بیت المال مسلمین می باشد در اصحّ اقوال علما... و این در صورتی است که از روی تنبلی آن را ترک کرده، ولی منکر وجوب نماز نیست، و اما کسی که وجوب نماز را ترک کرده کافر و مرتد از اسلام است نزد تمام اهل علم.

14. وظیفه زنی که شوهرش گاهی نماز نمی خواند

بن باز می گوید:

إذا كانت هذه حالة كما ذكرت - ايها السائلة - من كونه يصلّي بعض الاحيان و لا يصلّي في اكثر الاحيان، فانّ هذا لايجوز لك ان تبقى معه؛ لأنّ ترك الصلاة كفر اكبر في اصحّ قولى العلماء ولو لم يجحد و جوبها. فالواجب عليك التخلّص منه، و لايجوز لك الدخول عليه، و لايجوز بقاء هذا النكاح، بل هو و الحال كما ذكر عقد باطل في اصحّ قولى العلماء، و عليك ان تحذرى ان يمسك او يقربك...[15].

اگر موقعیت او این چنین است که ذکر کردی - ای زن سؤال کننده - از اینکه شوهرت در برخی از اوقات نماز می خواند ولی در بیشتر اوقات نماز نمی خواند، با این حال جایز نیست بر تو که همراه او باقی باشی؛ زیرا ترک نماز کفر اکبر است بنا بر قول صحیح تر از دو قول، گرچه وجوب آن را انکار نکند. پس واجب بر تو خلاصی از دست اوست، و بر تو جایز نیست که بر او وارد شوی و

بقاء این نکاح جایز نمی باشد، بلکه در این حال عقد باطل است در اصح دو قول علما، و بر تو است که نگذاری او تو را لمس کند یا نزدیک تو شود...

15. وظیفه مردی که زنش در نماز سستی می کند

بن باز در پاسخ سؤال مردی که درباره سستی زنش در ادای نماز از او سؤال کرده می گوید: إذا كان حال زوجتك ما ذكرت من تهاون بالصلاة و عدم محافظتها عليها رغم نصيحتك لها و اجتهادك في توجيهها إلى الخير، فالواجب عليك فراقها؛ لأن من ترك الصلاة من الرجال او النساء كفر كفراً اكبر، و ان لم يجحد وجوبها في اصح قولی العلماء... [16].
اگر وضعیت همسرت این گونه است که ذکر کردی به اینکه او نماز را سبک می شمارد و بر آن محافظت نمی کند به رغم آنکه او را نصیحت می کنی و در توجیه او به خیر کوشش می نمایی، بر تو واجب است که از او جدا شوی گرچه وجوب نماز را انکار نمی کند در اصح دو قول علما...

16. حکم بچه تازه بالغی که نماز نمی خواند

بن باز می گوید:

و من ترك الصلاة بعد البلوغ و لم يقبل النصيحة يرفع امره إلى المحاكم الشرعية حتى تستتبيه، فان تاب و إلا قتل... [17]. و کسی که نماز را بعد از بلوغ ترک کند و نصیحت را قبول ننماید امرش به محاکم شرعی برده می شود تا او را توبه دهند، و اگر توبه نکرد کشته می شود...

17. حکم روزه خوار

بن باز می گوید:

أما ترك صيام رمضان من غير عذر شرعي فمن اعظم الجرائم و الكبائر، و قد ذهب بعض اهل العلم إلى كفر من ترك صيام رمضان من غير عذر شرعي كالمرض و السفر، فالواجب عليك ان تبغضه في الله و ان تحجره حتى يتوب إلى الله سبحانه، و الواجب على ولاة امر المسلمين استتابة من عرف بترك الصلاة، فان تاب و إلا قتل؛ لقول الله عزوجل: "فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ"؛ فدل ذلك على ان من لم يصل لا يخلّى سبيله... [18].

اما ترک روزه ماه رمضان بدون عذر شرعی از بزرگ ترین جرائم و گناهان کبیره است و برخی از اهل علم فتوا به کفر ترک روزه ماه رمضان بدون عذر شرعی همچون مرض و سفر داده اند، پس واجب بر تو آن است که او را به خاطر خدا دشمن بداری و او را رها کنی تا به سوی خداوند سبحان توبه کند، و بر والیان امر مسلمین واجب

است تا کسانی که معروف به ترک نمازند را توبه دهند و اگر توبه نکردند باید کشته شوند به جهت قول خداوند عزوجل: (اگر توبه کرده و نماز به پا داشته و زکات پرداختند آنان را رها کنید)، که این آیه دلالت دارد بر اینکه هرکس نماز نمی خواند جلو او را بگیرد و رهایش نسازد...

18. حکم ترک واجبی از واجبات

بن باز می گوید:

... و قوله لا إله إلا الله و هكذا شهادته ان لا اله إلا الله و أنّ محمداً رسول الله لا يمنع من تكفيره إذا أتى بناقض من نواقض الاسلام، كما لو سب الله أو سب رسوله أو استهزأ بالدين أو جحد وجوب الصلاة أو تحريم الزنا أو نحو ذلك، فإنه يكفر باجماع المسلمين، و لو شهد أن لا إله إلا الله و أنّ محمداً

رسول الله و صلی و صام؛ لأن هذه الشهادة أنّما تعصم قائلها إذا عمل بمعناها و ادّى حقّها، أما إذا خالفها و لم يؤدّ حقها فإنّها لاتعصم دمه و لا ماله... [19].

... و قول او (لا اله الا الله) و همچنین گواهی او به توحید و اینکه محمد فرستاده خداست مانع

از تکفیر او نمی شود در صورتی که یکی از نواقض اسلام را به جا آورد، مثل آنکه خدا یا رسولش را ناسزا گوید، یا دین را مسخره کرده یا منکر وجوب نماز یا تحریم زنا یا مثل آن گردد، که به اجماع مسلمانان تکفیر می گردد، گرچه به وحدانیت و رسالت محمد از جانب خدا شهادت دهد و نماز بخواند و روزه بگیرد؛ زیرا این گواهی، گوینده آن را هنگامی نگه می دارد و خونس را محفوظ می دارد که به معنای آن عمل کند و حق آن را ادا نماید، ولی اگر با آن مخالفت کرده و حقش را ادا ننماید خون و مالش محفوظ نمی باشد...

19. فسخ نکاح تارک نماز

بن باز درباره زنی که شوهرش نماز نمی خواند می گوید:
يجب عليها ان تفارقه و تذهب إلى اهلها إذا كان لا يصلي؛ لأن ترك الصلاة كفر اكبر؛ لقول النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): "بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ وَالشِّرْكِ تَرْكُ الصَّلَاةِ" [20].
بر او واجب است که از شوهرش جدا شود و به اهلش باز گردد در صورتی که نماز نمی خواند؛ زیرا ترک نماز کفر اکبر است؛ به جهت قول پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم): (بین مرد و بین کفر و شرک، ترک نماز است). و نیز به جهت قول دیگر پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم): (عهدی که بین ما و مردم است نماز می باشد؛ پس هرکس آن را ترک کند به طور حتم کافر می باشد).

20. حکم کسی که از رفتن به مسجد خجالت می کشد

بن باز درباره کسی که از مردم خجالت می کشد و لذا نمازش را در خانه می خواند می گوید:
الواجب عليه ان يتقى الله و يصلّى مع الناس، و علّموه و وجهوه للخير؛ لأنّ هذا الخجل لا وجه له، و أنّما هو ضعف و عجز و كسل لا يجوز، بل عليه ان يبادر و يصلّى مع الناس، و لا يجوز له ان يصلّى في البيت. [21]

بر او واجب است که از خدا بترسد و با مردم نماز گزارد، و او را یاد داده و توجیه به خیر کنید؛ زیرا این خجالت وجهی ندارد، بلکه ضعف و عجز و تنبلی است که جایز نمی باشد، بلکه بر اوست که مبادرت کرده و با مردم نماز بخواند و بر او جایز نیست که در خانه نماز گزارد.

21. حکم کارگری که به جهت کارش در خانه نماز می خواند

بن باز در این باره و در جواب سؤال کننده ای می گوید:
ليس ما ذكرته عذراً يسوّغ لك تأخير الصلاة مع الجماعة، بل الواجب عليك ان تبادل اليها مع اخوانك المسلمين في بيوت الله عزوجل، ثم تكون الراحة و تناول الطعام بعد ذلك؛ لأنّ الله سبحانه أوجب عليك اداء الصلاة في وقتها مع اخوانك المسلمين في الجماعة... [22]
آنچه را که تو ذکر کردی عذری نیست که مجوز تأخیر نماز برای تو با جماعت گردد، بلکه بر تو واجب است که بر آن همراه با برادران مسلمانان در خانه های خداوند عزوجل به جا آوری، سپس می توانی بعد از آن استراحت کرده و بعد صرف غذا نمایی؛ زیرا خداوند سبحان بر تو ادای نماز در وقتش همراه با برادران مسلمانان با جماعت را واجب کرده است...

22. نماز همراه با ساعت تصویردار

بن باز درباره نماز خواندن همراه با ساعتی که دارای تصویر است، می نویسد:
إذا كانت الصور في الساعات مستورة لاترى فلاحرج في ذلك. اما اذا كانت ترى في ظاهر الساعة أو في داخلها إذا فتحها لم يجز ذلك؛ لما ثبت عنه (صلى الله عليه وآله وسلم) من قوله لعلى: "لا تدع صورةً إلاّ طمسَتها" [23].

در صورتی که صورت های در ساعت ها پنهان باشد و دیده نشود اشکالی در آن نیست، ولی اگر در ظاهر ساعت یا داخل آن در صورتی که آن در را باز کند تصاویر دیده شود، نماز با آن جایز

نیست؛ زیرا از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در قول علی (علیه السلام) ثابت شده که فرمود: (صورتی مگذار جز آنکه آن را محو کنی)...

23. حکم زیارت زن از قبور

بن باز می گوید:

لايجوز للنساء زيارة القبور، لانّ الرسول (صلی الله علیه وآله وسلم) لعن زائرات القبور، و لانهنّ فتنّة، و صبرهنّ قليل، فمن رحمة الله و احسانه ان حرمّ عليهنّ زيارة القبور حتى لايفتنّ و لايفتنّ [24].

جایز نیست برای زنان که به زیارت قبرها روند؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) زنان زیارت کننده قبرها را لعنت کرده است، و به جهت آنکه وجودشان فتنه بوده و صبرشان کم است، پس از رحمت الهی و احسان او اینکه برای زنان زیارت قبرها را حرام کرده تا باعث فتنه نشده و آنان نیز مورد فتنه قرار نگیرند.

24. حکم سالگرد برای میت

بن باز می گوید:

احياء تاريخ الوفاة على رأس كل عام بدعة لا اصل لها... [25]. زنده کردن تاریخ وفات در اول هر سال بدعتی است که اصل و اساسی برای آن نمی باشد...

25. حکم گرفتن سوم برای میت

بن باز در این باره می گوید:

ابتدعها من جهلوا الاسلام، و ما يجب عليهم نحوه من المحافظة على اصوله و فروعه، و ليس لديهم وازع ديني سليم، بل مشوب بتقاليد اهل الضلال، فهو بدعة متحدثة في الاسلام فكانت مردودة شرعاً... [26].

آن را کسانی بدعت گزارده اند که به اسلام جاهل می باشند. و آنچه بر آنان واجب است اینکه اصول و فروع اسلام را محافظت کنند، و نزد آنان میزان دینی سالمی نیست، بلکه کارهای آنان محفوظ با تقالید اهل ضلالت است، و لذا این کار بدعتی است که در اسلام حادث شده و لذا شرعاً مردود می باشد...

26. حکم مراسم چهلم گرفتن برای اموات

بن باز می گوید:

الاصل فيها أنّها عادة فرعونية كانت لدى الفراعنة قبل الاسلام ثم انتشرت عنهم و سرت في غيرهم، و هي بدعة منكرة لا اصل لها في الاسلام... [27]. اصل در آن این است که این کار از عادات فرعونی است که نزد فراعنه قبل از اسلام بوده و سپس از سوی آنان منتشر شده و به غیر آنان سرایت کرده است، و این کار بدعتی منکر می باشد که برایش اصل و اساسی در اسلام نیست...

27. خدای مجسم

بن باز مفتی سابق وهابیان می گوید: "نفى الجسمية و الجوارح و الاعضاء عن الله من الكلام المذموم"; [28] نفی جسمیت و جوارح و اعضاء از خداوند از جمله سخنان پست است.

و نیز می گوید: يوم يجيء الربّ - يوم القيامة - و يكشف لعباده المؤمنين عن ساقه، و هي العلامة بينه و بينهم، فإذا كشف عن ساقه عرفوه و تبعوه [29].

روزی که پروردگار در روز قیامت می آید و ساقش را برای بندگان مؤمنش کشف می کند که این نشانه ای بین او و آنان است، در این هنگام است که همگی او را شناخته و از او پیروی می کنند.

28. انکار مجاز در قرآن

بن باز می گوید:

ليس في القرآن مجاز على الحدّ الذي يعرفه اصحاب فن البلاغة، و كلّ ما فيه فهو حقيقة [30].
در قرآن آن گونه که اصحاب فن بلاغت می گویند مجاز وجود ندارد بلکه هر آنچه در اوست حقیقت است.

29. تحریم رانندگی زن

بن باز وهابی می گوید: «لا يجوز للمرأة قيادة السيارة» [31]؛ «رانندگی برای زنان جایز نیست».

30. دختر ندادن به کسی که نماز جماعت را ترک کند

بن باز وهابی می گوید: «من ترك الصلاة في جماعة لا يزوّج» [32]؛ (به کسی که نماز جماعت را ترک می کند نباید زن داد).

31. تحریم تعلیم زنان به کودکان

بن باز وهابی می گوید:

أنّه يجب منع الرجال من تعليم البنات و النساء من تعليم الصبيان في الصفوف الابتدائية [33].
واجب است که از تعلیم دختران توسط مردها و تعلیم پسران توسط زن ها در کلاس های ابتدایی جلوگیری کرد.

32. تحریم «صدق الله العظيم» بعد از قرائت قرآن

بن باز وهابی می گوید:

أنّ قول (صدق الله العظيم) بعد الفراق من قراءة القرآن بدعة ضلالة [34].
گفتن (صدق الله العظيم) بعد از فراق شدن از قرائت قرآن بدعت گمراه کننده است.

33. تحریم فیلمبرداری از مجالس

بن باز وهابی می گوید:

... أنا عندی بعض التوقف فی مثل هذا؛ لعظم الخطر فی التصوير، و لما جاء فیهِ من الاحادیث الثابتة فی الصحیحین و غیرهما فی بیان أنّ اشدّ الناس عذاباً یوم القيامة المصوّرون و احادیث لعن المصوّرين إلی غیر ذلك من الاحادیث [35].

نزد من در این مورد اشکال است؛ چرا که خطر تصویر زیاد می باشد، و به جهت اینکه در این موضوع احادیث ثابت در صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتابها رسیده که شدیدترین مردم از حیث عذاب در روز قیامت کسانی هستند که تصویر می کشند، و نیز احادیثی که در آنها تصویرکننده ها مورد لعن واقع شده اند.

34. جلوگیری از احترام به استاد

بن باز وهابی می گوید:

أنّ قیام البنات للمدرّسة و البنین للمدرّسین امر لا ینبغی، و اقلّ ما فیهِ الكراهة الشدیدة [36].
ایستادن دختران برای معلّم زن خود، و نیز پسران برای معلم مرد، کاری است که نباید انجام گیرد و کمترین حکمی که بر آن است کراهت شدید می باشد.

35. تحریم انتقاد از حاکمان جور

بن باز وهابی می گوید:

ليس من منهج السلف التشهير بعيوب الولاة و ذکر ذلك على المنابر؛ لأنّ ذلك یفضی الی الفوضى و عدم السمع والطاعة فی المعروف، و یفضی الی الخوض الذی یضر ولا ینفع...
از روش سلف این نبوده که عیوب حاکمان را علنی بگویند و آنها را مشهور کرده و بر بالای

منبرها ذکر کنند؛ چرا که این مطالب موجب شورش شده و باعث می شود که مردم در کارهای خوب از او اطاعت نکنند، و نیز منجر به اموری می شود که ضرر داشته و نفع ندارد...

36. تحریم کوتاه کردن موهای صورت

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز می گوید:

انّ تربية اللحية و توفیرها و ارخاءها فرض لایجوز ترکها... [37].

مرتب کردن ریش و بلند گذاشتن و رها کردن آن واجب است و ترکش جایز نیست...

37. تحریم چیدن مو از ابرو

بن باز می گوید: "لایجوز اخذ شعر الحاجبین و لا التخفیف منها..." [38]؛ (چیدن موی از دو ابرو و باریک کردن آن دو جایز نیست)....

پی نوشت ها

- [1] . فتاوی اللجنة الدائمة، رقم 96، 1393/3/25.
- [2] . فتاوی اللجنة الدائمة، رقم 1653، 1397/8/22 هـ.
- [3] . فتاوی اللجنة الدائمة، رقم 1653.
- [4] . فتاوی اللجنة الدائمة، رقم 1678، تاریخ 1397/10/13.
- [5] . همان.
- [6] . موسوعة بن باز، ج 5، ص 110.
- [7] . همان، ص 111.
- [8] . موسوعة بن باز، ج 5، صص 113 - 114.
- [9] . موسوعة بن باز، ج 4، صص 492 - 493.
- [10] . موسوعة بن باز، ج 4، صص 494 - 495.
- [11] . همان، ص 495.
- [12] . همان، ص 498.
- [13] . مجموع فتاوی و مقالات، بن باز، ج 10، ص 266.
- [14] . موسوعة بن باز، ج 4، ص 499.
- [15] . موسوعة امام المسلمین فی القرن العشرين، ج 4، ص 502.
- [16] . موسوعة امام المسلمین فی القرن العشرين، ج 4، ص 506.
- [17] . موسوعة امام المسلمین فی القرن العشرين، ج 4، ص 508.
- [18] . همان.
- [19] . موسوعة امام المسلمین فی القرن العشرين، ج 4، ص 509.
- [20] . موسوعة امام المسلمین فی القرن العشرين، ج 4، ص 509.
- [21] . موسوعة امام المسلمین فی القرن العشرين، ج 4، ص 356.
- [22] . همان.
- [23] . موسوعة امام المسلمین فی القرن العشرين، ج 4، ص 473.
- [24] . موسوعة امام المسلمین فی القرن العشرين، ج 5، ص 25.
- [25] . همان، ص 32.
- [26] . همان، ص 33.
- [27] . موسوعة امام المسلمین فی القرن العشرين، ج 5، ص 33.
- [28] . التنبيهات من الردّ علی تأویل الصفات، بن باز، ص 19.
- [29] . موسوعة فتاوی بن باز، ج 4، ص 130.

- [30] . همان، ص 382.
[31] . فتاوی المرأة، ص 192.
[32] . فتاوی المرأة، ص 103.
[33] . همان، ص 27.
[34] . مجله البحوث الاسلامیة، شماره 45 (1416هـ. ق).
[35] . مجله البحوث الاسلامیة، رقم 42، ص 161.
[36] . فتاوی للمدرسين و الطلاب، بن باز، ص 334.
[37] . الفتاوی المهمة، ص 207.
[38] . همان، ص 938.